

# تجربه های شکست

زمانی که به اطرافیان خود می گوئید که می خواهید شغل کارگری را انتخاب کنید تقریباً مخالفت خاصی ندارند و اگر بگوئید می خواهید کارمند شوید که با اشتیاق زائد الوصفی استقبال می کنند.

آیا می دانید چرا اینگونه است؟

چون مردم تجربه شکست از کارگری و کارمندی ندارند.

اما به این توجه نمی کنند که هیچ تجربه پیروزی و موفقیتی هم از کارگری و کارمندی ندارند اما به قول قدیمی ها آنقدر مردم را به مرگ گرفته اند که به تب راضی شده اند.

منظورمان از به مرگ گرفتن اینست که اینقدر سر مردم در طول این سال ها کلاه گذاشته اند که شخص حاضر است در نداری و بدبختی کارگری و کارمندی بماند اما به طمع ثروت بیشتر خودش را به بیچارگی و درماندگی دچار نسازد.

همان بیچارگی که بورسی ها بر سر این مردم آوردند.

همان به خاک نشانیدن هایی که رمز ارزی ها و بیت کوینی ها برای مردم به ارمغان آوردند.

این رمز ارزی ها در ایران دفتری ندارند و هویتشان کاملا نامعلوم است و شما اگر پولی به حسابشان بریزید هیچ جوره نمی توانید اثبات کنید یا شکایتی از آنها داشته باشید.

اگر در ایران دفتری داشتند و جایشان معلوم بود آن وقت مشاهده می کردید تعداد زیادی را به نابودی کشاندند و صفوف طولانی مالباختگان بود که جلوی دفاترشان تشکیل می شد.

و چقدر از همین دوره فروش های اینترنتی، پکیج های بی ارزش خود را به مردم فروختند و هیچ تغییری به زندگی مردم ندادند و چون پولشان به نسبت کم بود کسی حوصله شکایت نداشت و ضمنا از چه شکایت کنند از اینکه پولی دادند و یک دوره آموزشی خریدند و این که محل شکایت ندارد؟

این تجربه های منفی امید ثروتمند شدن را از مردم گرفت.

# اثرات منفی تجربه ها در آینده

حتما شنیدید که می گویند قمار باز همیشه بازنده است.

قمار در قرآن با کلمه **میسر** آمده است.

و معنایش اینست که پولی که به آسانی به دست بیاید.

و خداوند تاکید می کند که این فقط یک فریب است تا فکر

کنید آسان پولدار می شوید و سپس پول هایتان را آنجا بگذارید

و همه پولتان را یکجا بالا بکشند.

شما دقیقا در بورس همین حس را تجربه می کنید که به آسانی

پولدار شوید.

در رمز ارز هم همین است.

چرا مردم به شرکت های سرمایه گذاری پول می دهند چون فکر

می کنند پولشان را می دهند و آسان پولدار می شوند.

سایت های شرط بندی و قمار هم دقیقا بر اساس همین طرز

فکر مردم روز به روز قدرتمندتر می شوند.

اینهمه سال که مردم از این طرح ها استقبال کردند آیا پولدارتر شدند یا فقیرتر؟

یک فرمایشی دارد امیرمومنان علی علیه السلام که فاصله حق و باطل چهار انگشت است و آن هم میان چشم و گوش است. یعنی آنچه می بینی حق و آنچه می شنوی باطل است.

شما هر چه از پولدار شدن رمز ارزی ها و بورسی ها و بانکی ها و شرکت های سرمایه گذاری و دوره فروش های اینترنتی و قمار و سایت های شرط بندی مستند کنید همه شنیده است و کسی ندیده چون اگر واقعا این ها مردم را پولدار می کردند چرا کف جامعه همه روز به روز فقیرتر می شوند در حالیکه این مردم همچون باران بهاری تند و پرشتاب به سمت آنها دویدند و هجوم بردند پس اگر پولدار شدنشان دیده می شد چرا وضع کشور روز به روز افتضاح تر می شود؟

آنچه شما از موفقیت این پدیده های شوم شنیدید فقط تبلیغاتی است که از سوی همان کلاهبرداران طراحی می شود.

خداوند لعنتشان کند که برای ثروتمند شدن خودشان مردم را می فریبند و اموالشان را به غارت می برند و به وعده آسان ثروتمند شدن آنها را تلکه می کنند.

این کارشان سه آثار دردناک دارد.

اثر دردناک اول همان پولیست که از حساب های مردم خالی کرده و سال ها نیاز است تا جای آنها پر شود تازه اگر بشود.

دردناکتر از این می دانید چیست؟

قمار باز چون به راحتی می بازد برای بدست آوردن آن پول دوباره قمار می کند.

نمی بینید کسانی که پولشان را در بورس باختند دوباره به بورس پول می دهند؟

با خودتان می گوئید این دیوانه است در حالیکه نه دیوانه نیست اما چون پولش را به شبی باخته می خواهد دوباره به همان یک شب باز گرداند و راهی جز بورس نمی شناسد پس دوباره به بورس پول می دهد.

رمز ارزی ها همینگونه اند، شرکت های سرمایه گذاری از همین دست به شمار می آیند، شرکت های هر می دقیقا همین کار را با مردم می کنند، سایت های شرط بندی همینطور و خلاصه ذات آن ها اینست که اعتیاد می آورند.

و این درد از درد اول دردناکتر است چون در حالت اول شما یکبار پولتان را از دست می دهید اما با این اعتیاد همه عمرتان در بند شکست های متعدد این ساختارهای کلاهبرداری و فریب و دغلبازی هستید.

این روش ها انسان را مانند معتادی می کند که می داند هیچ نفع و سودی در مواد مخدر نیست اما چون به آن اعتیاد پیدا کرده است نمی تواند خودش را از بند آنها رها سازد و هر بار دنبال راهیست که بتواند سریع و یک شبه پولدار شود و هر بار هم شکست می خورد و باز هم درس نمی گیرد.

به وسوسه هر کلاهبرداری که بگوید پولت را بده تا سود بیشتری بدهم پولش را می دهد و باز هم می بازد.

# درد سوم دردناکتر از همه

اما درد سومی هم هست که از همه اینها دردناکتر است.

می دانید آن درد چیست؟

اینست که چون راه درست و حقیقی ثروتمند شدن را به این فرد

معرفی می کنی نمی پذیرد.

چرا؟

چون همواره شکست خورده است.

سوال اینجاست که چرا به همان روش های قبلی دوباره پول می

دهد و به این روش جدید که درست است پول نمی دهد؟

چون به روش های قبلی معتاد شده است و به این روش جدید

اعتیادی ندارد.

ضمناً در روش های فریب و کلاهبرداری از مردم تلاشی خواسته

نمی شود و می گویند پولت را بده سود کن.

اما در راه درست گفته می شود تلاش کن.

و این شخص نمی خواهد تلاش کند چون قمار ذاتا انسان را  
تنبل و راحت طلب می کند.

زمانی که به او می گویی رسول خدا فرمود: روزی بر ۱۰ قسم  
است که ۹ قسم آن در تجارت است نمی پذیرد.

وقتی می گویی امیرمومنان علی علیه السلام فرمود: تجارت کنید  
تا از آنچه در دستان مردم است بی نیاز شوید قبول نمی کند.

وقتی خبر می دهی امام صادق علیه السلام فرمود: تجارت را رها  
نکنید که خوار و حقیر می شوید هیچ اعتنایی ندارد.

وقتی آمار ثروتمندان جهان را طبق مجلات معتبر جهانی به او  
نشان می دهی که ۹۲ درصد آنها تاجرند انکار می کند.

وقتی کشورهای ثروتمند جهان را برایش بررسی می کنی که با  
ورود مردم به تجارت پولدار و ثروتمند شده اند رد می کند.

و چه چیزی دردناک تر از اینکه انسان به راه غلط و فریب اعتماد  
دارد و در آن خودش را به خرج می اندازد اما در راه درست وارد

نمی شود و این همان گمراهی دور است.